

وعده‌ای که خدا هرگز خلف نمی‌کند

حسین ابراهیمی | در فرهنگ قرآن، «نصرت الهی» یک قرارداد بی‌چون و چرنا نیست، بلکه سنتی است که برپایه عمل انسان جاری می‌شود. خداوند با صراحت و تأکید مضاعف فرموده است: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (سوره حج، آیه ۴۰). در این آیه، حرف «لام» و نون تأکید، نشان از قطعیتی دارد که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، هرکه دین خدا را یاری کند، خداوند او را یاری خواهد کرد. این وعده، نه شعاری تبلیغاتی که اصل محکمی برآمده از صفت وفای الهی است. قرآن می‌فرماید: «مَنْ أَوْفَىٰ وَعْدهٖ مِنْ اللَّهِ» (سوره توبه، آیه ۱۱۱)؛ هیچ‌کس به عهد خود وفادارتر از خدا نیست. پس اگر شرط «بِصْرُهُ» تحقق یابد، نتیجه «بِصْرَتُهُ اللَّهِ» حتمی خواهد بود. امام خمینی (ره) در روزهای حساس بهمن ۱۳۵۷، با وجود تردید برخی یاران، دقیقاً بر همین وعده تکیه داشتند. آن‌ها که از حادثه ۱۹ بهمن ۵۷ تا بیعت ارتش، هنوز در نتیجه انقلاب تردید داشتند، در محاسبات خود جای «سنت الهی» را خالی کرده بودند. اما امام و پیروان راهش، می‌دانستند که اگر حرکت در مسیر دین باشد، نصرت فرامی‌رسد و این علم به آینده، هرگز اجازه نمی‌دهد که حرکت سست شود. پیام آیه برای امروز ما نیز روشن است. در هر عرصه‌ای که برای حق، استقامت و پاری دین وجود داشته باشد، خدای متعال وعده خود را عملی می‌کند و باید بدانیم که نه وعیدش تخلف‌پذیر است و نه وعده‌اش و اعتماد به این حقیقت، نیروی محرکه حرکت‌های بزرگ تاریخی بوده است.

رمز پیروزی؛ اتکا به خود، اعتماد به خدا

ابراهیمی | در منطق دینی ما، نصرت الهی بی‌حساب و کتاب نیست. خدای متعال وعده داده است که اگر کسی در راه او گام بردارد، یاری‌اش خواهد کرد. اما شرط تحقق این وعده، صداقت و اتکای درونی خود انسان است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در جمله‌ای کوتاه اما عمیق از نهج البلاغه، رمز پیروزی را چنین بیان می‌فرمایند: «فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقًا أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ وَأَنْزَلَ بَعْدُ وَثَنًا الْكِبْتَ»؛ هنگامی که خدا صداقت ما را دید، پیروزی را بر ما نازل کرد و دشمنان را در فشار و گرفتاری افکند. نکته اساسی این است که نصرت، پیش‌پرداخت نیست، بلکه پاداش صداقت و حرکت خالصانه است. خداوند نیازی به ما ندارد، اما سنت او بر این جاری شده است که یاور یاوران دین خود باشد. از این رو نخستین گام، اتکا به خود و تکیه بر توانایی‌های خویش است. به دیگران - به ویژه بیگانگان - نمی‌توان اعتماد کرد. تجربه مذاکرات هسته‌ای به خوبی نشان داد که آمریکایی‌ها نماد بدعهدی و بداخلاقی‌اند. اما فقط آنان نیستند، هرکه بیگانه باشد، تکیه‌گاه مطمئنی نیست. حیات فردی و اجتماعی، همواره با فراز و نشیب همراه است؛ گاه سختی، گاه گشایش. اما آنچه مسیر را به مقصد می‌رساند، پایداری بر صراط مستقیم و عدم انحراف از خط صداقت و خودباوری است. اگر ما بدانیم که می‌توانیم و بدانیم که خدا با صادقان است، نه از ناهنجاری‌های موقت می‌هراسیم نه با گشایش‌های زودگذر فریب می‌خوریم. وعده الهی حق است. اما شرط آن، راستی و اتکای به خویشستن است.

آیه‌هایی از جنس مقاومت و نصرت

«زندگی با آیه‌ها، سر نصرت» تلاشی است تازه برای پایان دادن به فاصله میان قرآن و زندگی روزمره. این کتاب که سیدمحمد حسین راجی آن را نوشته و با ویراستاری محمدکاظمی به دست مخاطب رسیده است، با انتخاب ۲۰ آیه از قرآن کریم، روایت‌هایی از نصرت الهی در زندگی مردان و زنانی را روایت می‌کند که در میدان مقاومت ایستاده‌اند. نویسنده در مقدمه کتاب، ماه رمضان را نه فقط ماه تلاوت، بلکه مدرسه اراده و مقاومت، معرفی و تأکید می‌کند که قرآن نقشه‌راه زندگی و قیام است. نه کتابی صرفاً برای ثواب و زمزمه. این نگاه کاربردی، هسته مرکزی کتاب را شکل می‌دهد. ساختار اثر، ساده و تأثیرگذار است؛ هر فصل با یک آیه آغاز می‌شود و سپس نویسنده با بهره‌گیری از خاطرات تاریخی، نمونه‌هایی از زندگی شخصیت‌های معاصر، شهدا و حتی ماجراهای علمی و اجتماعی، نشان می‌دهد که چگونه آن آیه در متن واقعیت جاری می‌شود. برای نمونه، در فصل «صبر و نماز»، داستان‌هایی از امام خمینی (ره) و دانشمندان برجسته آورده شده است که در سخت‌ترین لحظات، با توکل و صبر، به آرامش رسیده‌اند. در جای دیگر، موضوعاتی مانند ساده‌زیستی، عزت نفس، جهاد بی‌تزلزل و پرهیز از اسراف، با روایت‌هایی از جنگ تحمیلی و زندگی رهبران انقلاب اسلامی، به تصویر کشیده شده است. آنچه «زندگی با آیه‌ها، سر نصرت» را از بسیاری کتاب‌های مشابه متمایز می‌کند، زبان روان و مثال‌های عینی آن است. مخاطب، مفاهیم عمیقی مثل توکل، نصرت الهی و مقاومت را نه در قالب تعاریف انتزاعی، بلکه در رفتار و سرنوشت آدم‌های واقعی لمس می‌کند. کتاب نشان می‌دهد که پیروزی از مسیر صبر، عمل صالح و باورگشت به آموزه‌های قرآنی می‌گذرد. این اثر را انتشارات تلاوت (وابسته به سازمان دارالقرآن الکریم) منتشر کرده است و نسخه الکترونیکی آن نیز در دسترس است. خواندن آن به همه کسانی که دغدغه معنویت، امید و ایستادگی در برابر مشکلات را دارند، به ویژه جوانان، دانشجویان و فعالان اجتماعی، پیشنهاد می‌شود. «زندگی با آیه‌ها، سر نصرت»، به ما یادآوری می‌کند که قرآن کریم می‌تواند در دل سخت‌ترین روزگار نیز زیست‌



آموزه‌های الهامبخش حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) برای شیعیان چیست؟

سرباز گمنام امام زمان، مجاهد تبیین

گفت‌وگو

آمنه مستقیمی | از عوامل سعادت و مباهات ما ایرانیان، میزبانی از امام زادگان است؛ همان متصلان به بیت امامت که اگرچه قرن‌ها از شهدا تشنان می‌گذرد، حضور معنوی شان، قطب فرهنگی و پناه و راهنمای مردم است؛ البته در این میان، نقش برخی‌ها متفاوت و اثرگذارتر است؛ مثل حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) که ثواب زیارتش هم پای زیارت کربلا و مضع شریفش به تعبیر رهبر شهید انقلاب، قبله تهران است. در سالروز وفات آن حضرت و در بررسی برش‌هایی از زندگی ایشان با حجت الاسلام والمسلمین باقری‌کیا، استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد، گفت‌وگو کرده‌ایم.

یادگار حسنی برای شیعیان ری

حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به لحاظ نسب با ۴ واسطه از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) هستند. کنیه شریف ایشان ابوالقاسم است. برادر و پسر به نام محمد و دختری به نام سلما داشتند. همسرشان هم به نام سیده خدیجه (ع) بوده‌اند. نواده امام حسن (ع) و امام زاده قاسم (ع) - که مرقدشان در تهران است - گویا پدر همسر ایشان بوده‌اند. حضرت عبدالعظیم (ع) از اصحاب خاص امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بودند و آن حضرات به این امام زاده، احترام بسیار می‌گذاشتند.

امام، مردم را به این امام زاده ارجاع می‌داد

از ویژگی‌های مهم این سید حسنی، مقام علمی والا بود. تاجایی که وقتی حماد بن رازی، از شیعیان در سامرا، به محضر امام هادی (ع) رسید و سؤال‌اتش را مطرح کرد و پاسخ گرفت، امام (ع) فرمودند: «هرگاه در این مشکل داشتی از عبدالعظیم (ع) سؤال کن». این یعنی امام معصوم (ع) در دین، مردم را به آن امام زاده ارجاع می‌دادند. مهم آنکه اگر چه امام زادگان همگی شرافت نسب دارند، در بین آن‌ها فقط برخی به مقامات بالا رسیده‌اند؛ چنان‌که ما امام زادگانی داریم که فرزندان بلافصل امام (ع) بوده‌اند اما چنین مقامی نداشته‌اند. این معلوم می‌کند که حضرت عبدالعظیم (ع) هم با ویژگی‌های خاص شخصیتی خود محل ارجاع امام بوده‌اند.

در علم، سرآمد و راوی حدیث بود

از علوم مهمی که حضرت عبدالعظیم (ع) در آن سرآمد بودند، علم رجال با علم سندی‌شناسی است؛ یعنی نخستین علم که مراجع تقلید در دادن فتوا و اجتهاد به آن تکیه می‌کنند؛ این نواده حسنی همچنین از راویان حدیث بودند و بسیاری از روایات امام جواد (ع) و امام هادی (ع) از ایشان به ما رسیده است و در انتشار دین خدا و پیامبر (ص) و نشر روایات اهل بیت (ع) بسیار فعال بودند. ایشان علم را مستقیماً از دو امام زمان خود گرفتند و در جایگاه فقهت و اجتهاد قرار داشتند. تاجایی که امام هادی (ع) مردم را در سؤال از دین به ایشان ارجاع می‌دادند.

اشتغال علمی او را از کار سیاسی بازداشت

یکی از فرازهای مهم زندگی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، آن است که نامه‌رسان و پیک امام هادی (ع) بودند و در این مسیر مجبور بودند شهر به شهر متواری باشند؛ چون مأموران خلافت به دنبال ایشان بودند. اما این امام زاده شهر به شهر می‌رفتند و پرچم جهاد تبیین راه امامت و هدایت را زمین نمی‌گذاشتند و چون این کار سیاسی محسوب می‌شد، در خفا و پنهانی آن را انجام می‌دادند. برای همین هم مخفیانه به ری رفتند و زندگی کردند. این نشان می‌دهد که شخصیت علمی و نسب خانوادگی، باعث نشد ایشان خود را معاف از کار سیاسی بدانند. بلکه در میدان مبارزات سیاسی علیه ظالمان، حضور داشتند و این موضوع برای ما هم آموزه‌ای بزرگ و راهنمای راه است.

پیامبر اکرم (ص) محل دفنش را تعیین کرد

محل دفن عبدالعظیم حسنی (ع) و تأثیری که بر تاریخ ایران گذاشته است، نیز جنبه اعجاز دارد؛ چون وقت رحلتشان رسید، یکی از شیعیان، پیامبر (ص) را در عالم خواب دید که فرمودند: «یکی از فرزندانم از دنیایم رود و تشییع می‌شود و در باغ عبدالجبار بن عبدالوهاب، کنار درخت سیب به خاک سپرده می‌شود». آن شخص، صاحب باغ را پیدا می‌کند و او هم می‌گوید من هم آن



حجت الاسلام والمسلمین باقری‌کیا:

امروز در زمان ما برخی افراد خیلی زود اسلام شناس شده‌اند و سلیقه‌ای دین را پایین می‌وراند؛ این طور نیست که با خواندن دو کتاب، اسلام شناس شویم. جوانان ما هم باید مراقب باشند که دینشان را از کجا و چه کسی می‌گیرند؛ معیار تشخیص حق و باطل از درون با عقل و فطرت و از بیرون با قرآن و عترت است و هر نوع تفکر و روش و منشی و نوشتاری که همخوان و همراه با این چهار مورد باشد، حقایق را عمل به این روش، میراث حضرت عبدالعظیم (ع) برای ماست.

زیارتش هم سنگ زیارت کربلاست

درباره ثواب زیارت این امام زاده حسنی هم باید گفت که شخصیت ایشان به حدی والا و مورد اعتماد و احترام امام هادی (ع) بود که وقتی یکی از اهالی ری به زیارت کربلا رفت و بعد درصدد زیارت امام هادی (ع) در سامرا برآمد، به محضر حضرت رسید و در پاسخ به سؤال از مبدأ و مقصد سفر و زیارت به کربلا به امام (ع) توضیح داد. حضرت فرمودند: «اگر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) را در شهر ری زیارت می‌کردید، همان ثواب زیارت کربلا را داشت.»

دغدغه دین داشته باشیم

زندگی حضرت عبدالعظیم (ع) برای امروز ما درس‌های بسیار دارد. مهم‌ترین این درس‌ها اهمیت دادن به دین است. در کتاب، توحید، شیخ صدوق با قدمت هزارساله که از منابع معتبر شیعی است، از خود حضرت عبدالعظیم (ع) نقل شده است که: «به سامرا وارد شدم و به محضر امام هادی (ع) رسیدم. امام (ع) خوشامد گفتند و فرمودند: «تو حقا ولی ما اهل بیت هستی». یعنی مدال پشتیبانی و یابوری آمده به ایشان داده شده. عبدالعظیم (ع) عرض می‌کند: آمده‌ام دینم را عرضه کنم و شما صحت آن را تأیید کنید (مبادا در آن انحرافی باشد). بعد اعتقاد اتش را به تفصیل بیان می‌کند؛ در پایان امام (ع) فرمودند: «به خدا این همان دین است که تو داری.»

مراقب باشیم دین را از کجا می‌گیریم

امروز در زمان ما برخی افراد خیلی زود اسلام شناس شده‌اند و سلیقه‌ای دین را پایین می‌وراند؛ این طور نیست که با خواندن دو کتاب، اسلام شناس شویم. جوانان ما هم باید مراقب باشند که دینشان را از کجا و چه کسی می‌گیرند؛ معیار تشخیص حق و باطل از درون با عقل و فطرت و از بیرون با قرآن و عترت است و هر نوع تفکر و روش و منشی و نوشتاری که همخوان و همراه با این چهار مورد باشد، حقایق را عمل به این روش، میراث حضرت عبدالعظیم (ع) برای ماست.

مقاوم و استوار در جهاد تبیین

نماز و عبادت و دعا در زندگی این نواده حسنی به شدت پررنگ بود. از زهد و به دنیا بی‌ربطی بود، تقوا و ورع و کناره‌گیری از گناهان، دیگر آموزه این امام زاده است. در روزگار ما امام شهید انقلاب، مصداق این صفات بودند؛ هم در علم و فقهت، هم در عبادت و هم در دارا بودن زهد و ساده‌زیستی و تقوا و ورع؛ جهاد تبیین که امام شهید بر آن تأکید داشتند، در سیره حضرت عبدالعظیم (ع) با وجود حقیقتان شدیدی با حدیث دنبال می‌شد و در این راه به قدری مقاوم و استوار بودند که دستگاه خلافت، شهر به شهر تقبیبشان می‌کرد اما ایشان کوتاه نیامدند و مردم را به دین حقیقی هدایت کردند و این درس مقاومت، امروز به اوج رسیده و ما شهدای تباری را داریم که انقلاب در جامعه ما هم دین مداری و هم ولایت‌مداری و هم مقاومت و بصیرت و نیز وحدت مداری و شهدای طلبی اوج گرفته است.

کمک رسانه‌ای به ظالم، حرام شرعی است



فدیه میرزاخان
فدیه میرزاخان
فدیه میرزاخان

بر گناه و ستم نهی می‌کند. فقها از این آیه، قاعده‌ای کلی استخراج کرده‌اند که هر نوع یاری رساندن به ظلم در این نهی، داخل است. [التواعدا للفقهیه (بجنوردی) ج ۱، ص ۲۸۳]

● نهی از یاری رساندن به ظالم در روایات در روایات بسیاری به تعاون بر نیکی‌ها و یاری رساندن به مظلومان و محرومان، سفارش شده و از کمک و یاری رساندن به ستمگران، نهی شده است و ما در اینجا چند حدیث ذکر می‌کنیم:

«یاری کردن مسلمان، از یک ماه روزه مستحبی و اعتکاف، بهتر است.» [وسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۵]

«هرکه ظالمی را یاری کند، خودش نیز ظالم است.» [وسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۵]

«حتی در ساختن مسجد، ظالم را یاری نکنید.» [وسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۰]

● حرمت مطلق معونه الظالم و فی قولیه صلی الله علیه و آله، مِنْ أَعَانَ ظَالِمًا سَلَطَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هرکه ستمگری را کمک کند، خداوند او را بر وی مسلط کند.» [الخراج والجرانج، ج ۳، ص ۱۰۵۸]

● طبق آنچه از روایات شیعه به دست می‌آید، حتی کمک‌های ظاهراً کوچک مانند دادن

دادن به ظالم در حین اجرای ظلم). یکی از مصادیق کمک غیرمستقیم در زمانه ما و عصر حاضر، انتشار، باز نشر، تأیید یا تبلیغ محتوایی است که به گسترش ظلم، مشروعیت بخشی به ستمگران، تضعیف مظلومان یا تقویت رویکردهای ظالمانه بینجامد که بر اساس مبنای عقلایی و فقهی، نوعی معونه ظالم محسوب می‌شود. از آنجا که رسانه‌ها می‌توانند با برجسته‌سازی یا تحریف واقعیت، به شکل‌گیری افکار عمومی منجر شوند، نقش آنان نه صرفاً منعکس‌کننده، بلکه گاه تعیین‌کننده بروز یا استمرار ظلم است. بنابراین، تأیید، تکرار یا باز نشر محتوایی که عرفاً تقویت ظلم شمرده شود، همانند کمک‌های مستقیم و فیزیکی، در قلمرو رفتارهای ممنوع قرار می‌گیرد. این مبنای نهی از کمک به ظالم در فقه شیعه و اهل سنت سابقه روشن دارد که در ادامه به بررسی برخی ادله نهی از کمک به ظالم اشاره می‌کنیم.

● نهی از همکاری بر گناه و تعدی در سوره مائده، آیه ۲ بیان شده است: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» این آیه به همکاری بر نیکی و تقوا فرمان می‌دهد - که بر حسب موارد، واجب یا مستحب است - و از معاونت

بر اساس مبانی مشترک فقه اسلامی، «معاونت بر ظلم» تنه‌ای به مشارکت عملی در فعل ظالمانه محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه رفتار، گفتار یا فعالیتی که عرف آن را یاری رساندن به ستم و تقویت ظالمان بدانند، در دایره حرمت قرار می‌گیرد. در عصر جدید، با گسترش ابزارهای ارتباطی، یکی از مصادیق برجسته این یاری‌رسانی، کمک رسانه‌ای است؛ امری که در منابع قرآنی و روایی تحت عنوان «تعاون بر اثم»، «رکون به ظالم» و «تزیین عمل ظالم» از آن نهی شده است.

● مفهوم‌شناسی «کمک به ظالم» در فقه اسلامی، ظلم از بزرگ‌ترین محرمات شمرده شده است و کمک به ظلم، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، ذیل عنوان «معونه الظالم» یا «تعاون بر اثم» قرار می‌گیرد. ملاک اصلی در بسیاری از متون فقهی، عرف است؛ یعنی هر عملی که عرف آن را یاری رساندن به ظلم بدانند، در حکم حرمت قرار می‌گیرد.

در موضوع مورد بحث نیز تفکیک میان دو نوع کمک مشاهده می‌شود: الف) کمک مستقیم، مشارکت در اجرای فعل ظالمانه (مانند نگاه داشتن مظلوم یا رساندن ابزار ضرب). ب) کمک غیرمستقیم، فراهم کردن مقدماتی که عملاً به ادامه ظلم کمک می‌کند (مثل آب

درنگ

یک دل‌آب به ظالم و سیراب کردن شترش نهی شده است؛ این نشان می‌دهد که فقه شیعه کمک غیرمستقیم را نیز ممنوع می‌داند. هر چیزی که از نظر عرف، کمک به ظالم محسوب شود، حرام است؛ چه کمک مستقیم باشد، مانند اینکه ظالمی بخواهد فردی را شلاق بزند و کسی به او کمک کند، مثلاً شلاق به دستش دهد یا اینکه مظلوم را نگه دارد تا او کتک بزند و چه کمک غیرمستقیم باشد، مثل اینکه ظالم در اثنای کار ظالمانه‌اش، تشنه شود و شما به او آب دهید تا تشنگی‌اش فرونشیند و به ظلمش ادامه دهد. از مصداق‌های متداول و رایج امروزی، کمک تبلیغاتی است؛ مثل تبلیغ برای کشتن شیعیان یا مثل اینکه کسی در فکر تروار باشد و دیگری با نقشه کشیدن، او را راهنمایی کند. این هم کمک به ظالم است.

همچنین اگر عده‌ای بخواهند جلوی ظلم را بگیرند و دیگری کار ظالم را توجیه کند، مثل فتوا به جواز قتل حضرت سیدالشهدا (ع)، همه این‌ها معونه محسوب می‌شود؛ چون عرف این‌ها را کمک به ظلم می‌داند. [آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۲، معاملات، درس ۱۲]

بر اساس همین نگاه جامع، مباحث بیان شده، ادله قرآنی و روایی، حرمت یاری رساندن به ظلم را بررسی کرده و نشان داده است که کمک رسانه‌ای و دیگر مباحث عصر جدید نیز در منطق فقه اسلامی، داخل همان حکم کلی قرار می‌گیرد.

